

# ردلف کروتزر

## زندگی و آثار

### بهمن مه آبادی



ردلف کروتزر

ردلف کروتزر از از ویلنیست‌ها و آهنگ‌سازهای نام‌آشنای سده‌های هجدهم و نوزدهم است. کتاب مشهور اتود و کاپریس‌های وی برای ویلن، از دروس آکادمیک موسیقی و از کتاب‌های مطرح در مکتب ویلن نوازی به‌شمار می‌رود. کروتزر در شانزدهم نوامبر ۱۷۶۶ در ورسای<sup>۱</sup> (فرانسه) و در خانواده‌ای آلمانی تبار متولد شد. دوران کودکی‌اش با شنیدن و نواختن موسیقی گذشت که تاثیری به‌سزا در آینده‌اش داشت. پدرش که ویلنیست "رویال باند" بود، اولین درس‌های موسیقی را به او آموخت. او خیلی زود استعداد خارق‌العاده‌ای از خود نشان داد و به این ترتیب بر همه معلوم شد که کروتزر جوان نوازندای برجسته و مطرح در نواختن ساز جادویی خود، ویلن خواهد بود.

تمایل قطعی و مسلم رودولف به ویلن‌نوازی او را نزد آنتون اشتامیتس<sup>۲</sup> (۱۷۹۸/۱۸۰۹-۱۷۵۰/۱۷۵۴) هدایت کرد و باعث شد تحصیل موسیقی را نزد این ویلنیست مشهور پی بگیرد که البته این دوره کوتاه دیری نپایید و او در جستجوی استاد، موفق به شنیدن صدای ویلن جووانی باتیستا ویوتی<sup>۳</sup> و تحصیل از راه مکاتبه شد. در دوازده سالگی موفقیت‌اش در نوازندگی ویلن، او را در ردیف اساتید این فن قرار داد. مهارت در نواختن البته همراه با استعدادی ذاتی، عشقی مفرط و مملو از درخشندگی و ذوق از خصوصیات او بود. کروتزر در سیزده سالگی اولین کنسرتو ویلن خود را تصنیف کرد و به دنبال نوشتن کنسرتوهای بعدی دست به کار ساختن قطعات دیگری شد

<sup>1</sup> Versailles

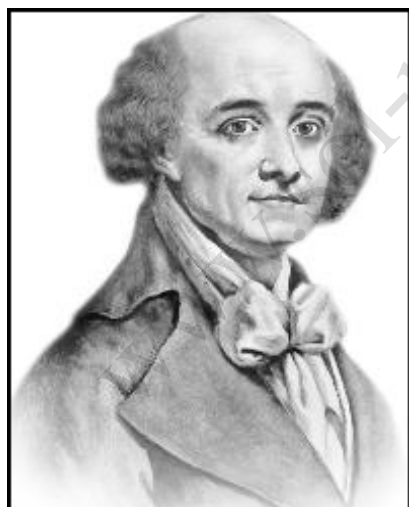
<sup>2</sup> Anton Stamitz

<sup>3</sup> Giovanni Battista Viotti



ورسای

که اجرای یکی از آن‌ها در پاریس او را با تحسین، شادی و پیروزی روبه‌رو ساخت. این موفقیت‌ها باعث شد او به تریانو<sup>۴</sup> جایی که با لذت و عشق در کنسرت‌های کوچک ملکه می‌نواخت، دعوت شود. این درخواست او را قادر ساخت که علاوه بر نواختن روی ساز محبوبش که با فریفتگی و دلربایی خاصی انجام می‌شد، در نمایش آثار موسیقی نیز شرکت کند که نتایجی مملو از شادی و تجربه برای او به ارمغان داشت.



جووانی باتیستا ویوتی

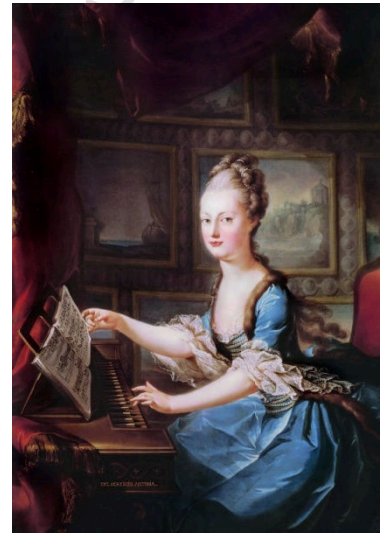


آنتون اشتامیتس

<sup>4</sup> Trianon

در سال ۱۷۸۲ زمانی که بیش از شانزده سال نداشت، به عنوان نوازندهٔ اول ویلن در "رویال ارکستر" - که پدرش در آن جا می‌نواخت - انتخاب شد. ماری آنتوانت در این باره گفت:

" او جای خالی پدر مرحومش را گرفته است." کروتزر جوان از موقعیت تازهٔ خود بسیار راضی به نظر می‌رسید. دستیابی به مقام نوازندگی ویلن اول "رویال باند" او را از کار بی‌وقفه‌ی خود جدا نکرد. تمرین‌های مداوم و کار توان فرسا ادامه یافت. پشتکار رام نشدنی‌اش بعد از هشت سال تلاش مداوم او را به درجهٔ سولیست ویلن در تأثر ایتالیایی پاریس رساند و این درحالی بود که وی مقام سولیستی اپرا کمیک پاریس را نیز بر عهده داشت. کار در تأثر ایتالیایی و اپرا کمیک پاریس او را به خلق یک سری آثار دراماتیک واداشت. پس دست به تصنیف اپرا زد که امروزه تعداد آن‌ها به چهل می‌رسد. پرداختن به اپرا توجه او را از باله سلب نکرد. او تعداد قابل توجهی موسیقی باله نوشت که بیشتر این آثار بین سال‌های ۱۷۹۰ تا ۱۸۲۵ در



ماری آنتوانت

تأثر ایتالیایی و اپرا کمیک پاریس به اجرا درآمدند. اما شرایط اجتماعی نیز در آن زمان متحول شده بود. طوفانی وزیدن گرفته بود که بوی انقلاب از آن به مشام می‌رسید. همه چیز در حال تغییر بود... انقلاب فرانسه "رویال باند" را در هم ریخت و جامعه‌ی تازه‌ای بنیان نهاد. کروتزر سردرگم، به آسانی خود را با تغییرات اجتماعی انقلاب منطبق ساخت ولی با این همه، در اپراهای خود سهل‌انگارانه و با لذتی تا سف بار مبادرت به نوعی مقایسه بین فرانسهٔ قبل و بعد از انقلاب کرد و نشان داد که مردم حتی خانوادهٔ سلطنتی، هر کدام به نوعی این تغییر ملی ناگهانی را جشن می‌گیرند! اما او به این قدر نیز کفایت نکرد و در درام‌های خود نسبت به انقلابیون، با قصور و



ناپلئون بناپارت

کم‌اعتنایی سخن راند که چنین امری باعث شکست در خلاقیت موسیقی و موفقیت‌های بزرگ هنری او شد. اینک دیگر او طرد شده بود ولی این جریان مدت زیادی دوام نیافت زیرا کروتزر به عنوان استاد ویلن در انستیتوی تازه تاسیس ملی موسیقی پاریس انتخاب شد و این انتصاب وضع را تغییر داد و او را از انزوا رها کرده و یک بار دیگر به محافل موسیقی نزدیک ساخت. در آن زمان کرسی استادی مدرسهٔ موسیقی، مقام و مرتبه‌ای انقلابی و وابسته به جمهوری فرانسه محسوب می‌شد و اینک کروتزر استاد انستیتوی ملی موسیقی جمهوری فرانسه بود. او به علت خدماتش به موسیقی در این مقام باقی ماند تا در سال ۱۷۹۵ به عنوان عضو رسمی کنسرواتوار

انتخاب شد. در سال ۱۷۹۶ اقدام به برقراری یک تور کنسرتی به ایتالیا، آلمان و هلند کرد و در جریان سفرهای خود با شور و شوق فراوان نواخت. دو سال بعد یعنی در ۱۷۹۸ زمانی که برای اجرای کنسرت در شهر وین به سر



می‌برد، با بتهوون<sup>۵</sup> ملاقات کرد. این ملاقات و دیدنِ نوازندگیِ کروتزر، بتهوون را بر آن داشت تا دست به تصنیف سونات شماره‌ی ۹ خود برای ویلن و پیانو بزند که بعدها زمانی که کروتزر به پاریس مراجعت کرد، آن را به او تقدیم کرد که البته در این مورد شایعه‌های زیادی وجود دارد. گفته می‌شود سونات اپوس ۴۷ بتهوون، در سال ۱۸۰۶ به دوستش کروتزر تقدیم شده است.

این حرکت با در نظر گرفتن شخصیت، اخلاق و روابط بتهوون ما را بر آن می‌دارد که به وسعت دوستی این دو نفر بیندیشیم. پس محقق است که رفاقتی ریشه‌دار و قابل احترام بین بتهوون و کروتزر وجود داشته است. دلیل تصنیف سونات‌ی به نام کروتزر از سوی بتهوون تأیید نوازندگی کروتزر و رضایت بتهوون از اجرای او بوده است اما این امر نیز گفتنی است که در سفر ۱۷۹۸ کروتزر به وین او چنین سونات‌ی را اجرا نکرده است اما خود وی، سمفونی‌ای را به همراه داشته که علی‌رغم ناتمام بودن، به سبک بتهوون نوشته شده بود. در نتیجه، بتهوون به احتمال بسیار قوی هرگز شاهد اجرای سونات در "لا مازور، اپوس ۴۷" توسط کروتزر نبوده اما محدوده شایعه‌ها به این قدر نیز کفایت نمی‌کند. گروهی تصور کرده‌اند که سونات بتهوون با رمانی به همین نام از تولستوی<sup>۶</sup> ارتباط داشته است حال آن که هیچ ارتباطی حتی بین سال‌های زندگی بتهوون (۱۸۲۷-۱۷۷۰) و تولستوی (۱۹۱۰-۱۸۲۸) وجود ندارد و در اصل، این تولستوی بوده که نام داستان خود را از سونات بتهوون گرفته است. این رمان درباره شوه‌ر حسودی است که همسرش را به قتل می‌رساند. می‌گویند تولستوی از سونات کروتزر بتهوون هرگز خوشش نیامده و به این دلیل بدون این که رمان وی هیچ ارتباط منطقی با موضوع موسیقی بتهوون داشته باشد، چنین نامی را برای

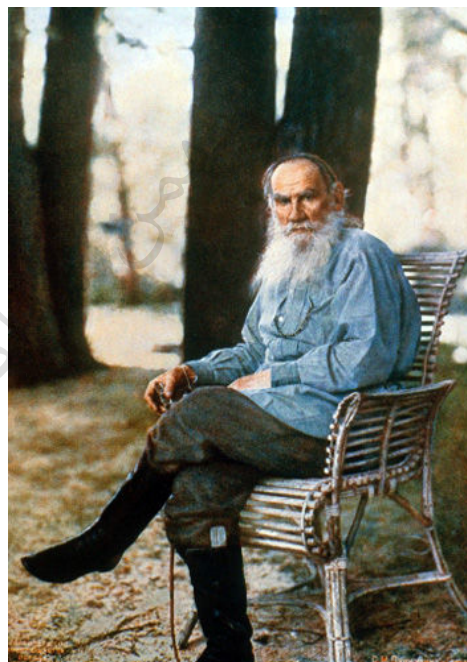


لودویک فون بتهوون

<sup>5</sup> L.v.Beethoven

<sup>6</sup> L. Tolstoy

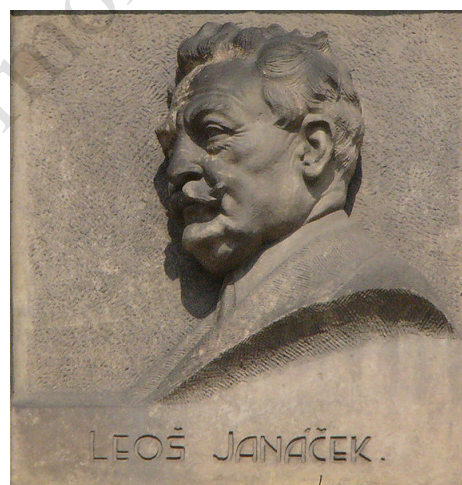
آن انتخاب می‌کند. اما گاهی عده‌ای سونات شماره‌ی ۹ را با سند باقی‌مانده از "کوارتت زهی یاناچک"<sup>۷</sup> شماره ۱ تصنیف شده در سال ۱۹۲۳، اشتباه گرفته‌اند، دراین اثر روی اسم "یاناچک" آورده شده: "با الهام از سونات کروترز از لئو تولستوی" که اشاره‌ای به همان رمان ذکر شده است. این رمان در ۱۸۹۰ به وسیله تولستوی به رشته تحریر درآمد اما دلیل اصلی نام‌گذاری بتهوون به سونات شماره ۹ خود، تقدیم آن به رودلف کروترز ویلنیست بوده که البته اجرای این سونات نیز بسیار حاشیه دارد. بعضی معتقد بوده‌اند که کروترز از روی شکسته نفسی و احترام به بتهوون سونات را برای اجرا نپذیرفته و اعلام کرده که جرئت اجرای آن را ندارد! می‌گویند وی با فروتنی خود را لایق دریافت چنین سونات عظیمی ندیده است اما گروهی نیز عکس این اعتقاد را بیان کرده‌اند که بی‌شک دور از حقیقت به نظر می‌رسد.



لئو تولستوی

آنها گفته‌اند: "کروترز سونات بتهوون در لا مازور اپوس ۴۷ را که بین سال‌های ۱۸۰۲ تا ۱۸۰۳ سروده و به او تقدیم شده است، قابل اجرا نمی‌دانسته و آن را به شکل زنده‌ای نامفهوم و غیر قابل درک نامیده است!!"

سونات کروترز بتهوون برای ویلن و پیانو با موومان‌های اول و دوم با شکوه و عالی نشان‌گر شخصیت مردی‌ست که به تنهایی درمقابل کاخ‌ها و چلچراغ‌ها می‌ایستاد و از این که تنها بماند، هرگز هراسی به خود راه نمی‌داد. این اثر، تنها سونات بتهوون است که با سرآغازی آهسته شروع می‌شود و به دنبال این سرآغاز نامطمئن و آرام، میزان‌های تند با تم‌های متضاد که یکی پس از دیگری بر روی هم موج می‌زنند، ادامه می‌یابد. دومین قسمت سونات از یک تم و تعدادی واریاسیون تشکیل می‌شود که می‌توان در هر کدام از واریاسیون‌ها، درد، احساس، اندوه و اشک مردی را دید که به جهان



لئو یاناچک

<sup>7</sup> Leos Janacek



سونات بتهوون

برای همیشه پشت پا زده است. این اثر که در ۱۸۰۳ پایان یافته با واقعه‌ی تابستان ۱۸۰۲ ارتباط تنگاتنگی دارد. بتهوون در آن سال برای خودکشی به "هایلیگنشتات"<sup>۸</sup> رفته بود و تودیع‌نامه‌ی مشهور او نیز در این سال نوشته شده است. اما او با اراده و توانایی فوق‌العاده‌ی خود به سرنوشت مرگ فایق آمده و با نیروی خارق‌العاده‌ی تازه یافته‌اش، زندگی جدیدی را آغاز می‌کند.

سونات مذکور بعد از این طوفان روحی او تصنیف شده است و با آن که در ظاهر به دیگر کارهای او شبیه است

اما در اصل، از قدرت و تکنیک برجسته‌ای برخوردار شده و به شکل یک کنسرتو ویلن جلوه می‌کند. قسمت سوم سونات گویی نوعی رخوت است یا گونه‌ای تعمق؛ دمی برای از نو اندیشیدن و از سرفرصت تاختن و بالاخره قسمت چهارم فینال، موومان تندی متشکل از میزان‌های ۶/۸ و ۲/۴ متوالی و با اسفوزاتوهای پی‌درپی و جملاتی مقطع و پیوسته‌ست که گویی نوازنده را با اشکال مواجه خواهد کرد.



هایلیگنشتات

سونات نهم ابتدا برای یک ویلنیست نیمه آفریقایی به نام جرج بریج‌تاور<sup>۹</sup> تصنیف شد و در سال ۱۸۰۳ توسط "تاور" و بتهوون اجرا شد اما خود بتهوون هنگام چاپ آن را به کروتزر ویلنیست تقدیم کرد.

باری کروتزر در ۱۸۰۱ به عنوان ویلن سولیست در "گراند اپرا" انتخاب می‌شود و این انتخاب او را به مقام پرفسور "پی‌یر رد"<sup>۱۰</sup> ارتقا می‌دهد. او در ۱۸۰۲ به عنوان نوازنده ویلن اول ارکستر "کنسول بناپارت" برگزیده شده و در این مقام می‌درخشد. چهار سال بعد در ۱۸۰۶ به مقام ویلن سولیست امپراتور ناپلئون برگزیده می‌شود و برتری و کمال هنری خود را به نمایش می‌گذارد اما طوفان در فرانسه هنوز فروکش نکرده و انقلاب با زیر و رو کردن تمام سنن پوسیده و کهن، پیشتاز مبارزه و رزم علیه جهل و اشرافیت است، با این همه، بار دیگر در



جُرج بریج‌تاور

<sup>8</sup> Heiligenstadt

<sup>9</sup> George Bridgetower

<sup>10</sup> Pierre Rode



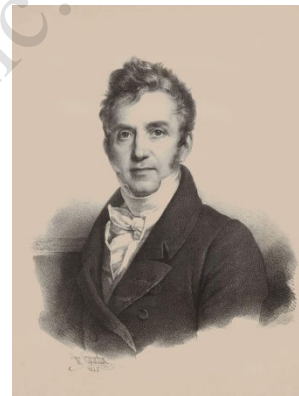


لویی هجدهم

مه ۱۸۱۴ لویی هجدهم به قدرت می‌رسد و کروتزر جمهوری‌خواه و دوست ناپلئون در ۱۸۱۵ به عنوان "کاپل مایستر" ارکستر "لویی" کار خود را ادامه می‌دهد. او در این دوره سعی می‌کند تا به واقع به اطرافیان خود بفهماند که وی تنها برای هنر و زندگی هنری‌اش زنده و کوشاست و البته چنین ادعایی را نیز به اثبات می‌رساند. کروتزر در تمام این دوران به دور از پول و ثروت مادی و تنها با تکیه بر ثروت‌های معنوی و به خاطر عشق آتشین خود به موسیقی و هنر در خدمت هنر و موسیقی باقی می‌ماند و نام کروتزر در تمام این دوران با واژه موسیقی همراه است. او خود نیز به شکل و هیبت موسیقی درمی‌آید پس در مقام پروفیسور ویلن کنسرواتور پاریس در حالی که نام و شهرتش عالم‌گیر شده است، شاگردان برجسته‌ای را تربیت می‌کند. او با دگرگون ساختن مکتب ویلن پاریس تنها صاحب‌نظران را شیفته خود کرده

بلکه شاگردان بی‌شماری را جلب و تکنیک و استیل درخشان و ساده و راحت و گرم خود را به معرض نمایش می‌گذارد. اکنون با وجود او، تکنیک ویلن ویوتی به بار می‌نشیند و میوه می‌دهد و کروتزر، نماینده خلف آن ثروت

معنوی باعث پیروزی تحسین‌برانگیز و با حرارت و اطمینان شاگردانش بر مشکلات تکنیکی می‌شود و جایگاه خود را در پیشاپیش صفوف "ویرتوئزهای"<sup>۱۱</sup> معاصرش، باز و تحکیم می‌کند و چنین است که این نوازنده چیره‌دست ویلن به اتفاق جووانی باتیستا ویوتی، پی‌یر رُد و پی‌یر بایو<sup>۱۲</sup> از سردمداران مکتب پاریس می‌شود. او چنین موفقیت فوق‌العاده، درخشان و برجسته خود را به غریزه‌ای موسیقایی که حالت ژنی فوق تصویری دره آن بود، و به منشی سخت متعصب به هنر که جز آن نمی‌شناخت و به آموزش درست که با توجه به نبوغ خدایی‌اش



پی‌یر رُد

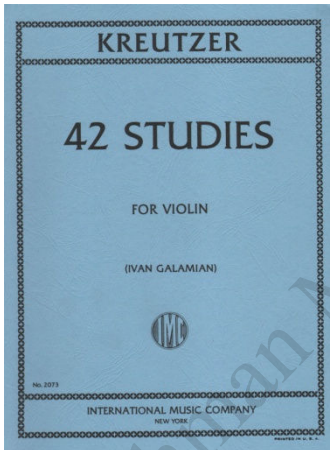
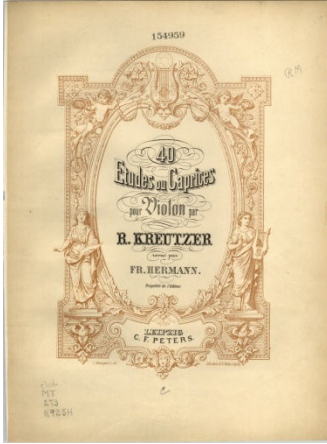
به هیچ می‌ماند، مدیون بود. او از مادر زاده شده بود تا بنوازد و با نواختن زنده بود. مشخصه کروتزر را هم‌دوران‌هایش زبردستی در نوازندگی، انرژی، پاک‌ی و وسعت فوق‌العاده‌ی صدا بر روی ساز محبوبش ویلن دانسته‌اند. خلق، خوی و نجابت انسانی و پایبندی وصف‌ناپذیرش به اصول، عقاید و آرای فردی و استقلال منطقی برهان‌های عقلانی زندگی‌اش او را به سوی ستاره شدن و نور باران کردن دنیای افتخارآمیز نوازندگی ویلن هدایت می‌کرد و به این شکل ابدیت می‌یافت.



پی‌یر بایو

<sup>11</sup> Virtuosi

<sup>12</sup> Pierre Baillot



کروتزر بعد از انتخاب شدن به عنوان "کاپل مایستر" لویی هجدهم در ۱۸۱۵ و بعد از اطمینان از وضع نوازندگی خود با شور و صمیمیتی غیرقابل توصیف، خود را وقف آهنگسازی می‌کند. او برای عواطف و احساسات خود و البته برای ساز مورد علاقه و منتخبش می‌سراید و به همین دلیل در ۱۸۱۶ در کنکور موسیقی به مقام دوم تنزل می‌یابد. انگار که از این وضع هراسان باشد - با این که کارهای این دوره زندگی‌اش همه پربار و ماندنی‌اند - اقدام به تمرین مداوم می‌کند که این کار بی‌وقفه باعث پیروزی او در ۱۸۱۷ شده و او را بار دیگر به عنوان اولین "شِف ارکستر" ۱۳ برمی‌گزیند. با این همه، وی کارهای اساسی خود را پی می‌گیرد. آثار این دوره زندگی‌اش عبارتند از: نوزده کنسرتو برای ویلن، پانزده کورانت زهی، تعدادی تریو، واریاسیون‌های دو نوازی، سمفونی کنسرتانت، سونات‌ها، ملودی با واریاسیون و کارهای بی‌شماری برای ویلن و از همه مهم‌تر، ۴۲ اتود و کاپریس برای ویلن که نام او را به عنوان آهنگساز مخصوص ویلن باقی گذاشته و موجب شناخته شدن او نزد هنرجویان موسیقی ویلن و ویلنیست‌ها شده است. ۴۲ اتود و کاپریس کروتزر که در سال ۱۸۰۳ در پاریس نوشته شد، گاه در ۴۰ درس منتشر می‌شود که از ارزشمندترین آثار آموزش ویلن و البته در زمره مشکل‌ترین آنها هستند.

اتودهای کروتزر با حالت‌های متفاوت برای دست راست و چپ در نوع خود آموزش منحصر به فردی است که از او به یادگار مانده است.



نیکلو پاگانینی

کروتزر یک رهبر نامدار مکتب نوازندگی ویلن و یک نوازنده خبره این ساز بود؛ سازی که در ایتالیا رشد و نمو یافته و با شکوفایی خود در فرانسه به بار نشست. "ویوتی"، "بایو"، "رُد" و "کروتزر" پرچم‌داران این نهضت در فرانسه بوده‌اند.

۴۲ اتود و کاپریس کروتزر برای ویلن در اصل ادامه این نهضت است که از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. اثری که امروزه هم در بین آثار موسیقی برای ویلن جایی برجسته، مشخص و کلیدی را در نوازندگی این ساز به خود اختصاص داده است. ۴۲ اتود و کاپریس کروتزر در حقیقت و به طور مسلم یک کار کلاسیک در موسیقی ویلن محسوب می‌شود که البته اجرای آن برای ویلنیست‌ها ضروری، لازم و



حتمی است تا بتوانند پایه‌های تکنیکی ویلن‌نوازی خود را استحکام بخشند. -نه تنها استحکام ساختار تکنیکی که انجام مرحله‌ای از موسیقی جهت اجرا، شنیدن و برتری یافتن برای دستیابی به اجرای کاپریس‌های تکنیکی "پیرو رُد" و "نیگلو پاگانینی" -



نشان لژیون دونور

کروتزر در سال ۱۸۲۴ با افتخار و تواضع نشان "لژیون دونور"<sup>۱۴</sup> را به خود اختصاص می‌دهد. او از پست خود به عنوان "شف ارکستر" کناره می‌گیرد تا بتواند به عنوان رهبر موسیقی در "گراند اپرا" به کار بپردازد. رهبری او در "گراند اپرا" فقط تا سال ۱۸۲۶ دوام می‌یابد و بعد از آن گویی که خسته است. دیگر تاب تحمل حسودان و دلالان خبره را ندارد؛ پس کناره می‌گیرد و به یک پانسیون پناه می‌برد. او رفته رفته منزوی می‌شود و در سکوت زندگی‌اش به انتظار مرگ می‌نشیند. کروتزر که اینک تنها از همیشه است به آهنگسازی می‌اندیشد و اپرایی روی متنی قدیمی تصنیف می‌کند که نام آن را "ماتیلده"<sup>۱۵</sup> می‌گذارد. او بدون آن که درخواستی برای تصنیف و یا اجرا داشته باشد، این اپرا را ساخته و مصمم به اجرای آن در سال ۱۸۲۷ است اما دعوت وی از مجریان اثرش بی‌تأثیر می‌ماند. از این بی‌توجهی سخت آزرده و ناراحت شده و احساس شکست می‌کند. کروتزر در طول این سال‌ها به چشم‌اندازهای گذشته می‌نگرد. گاه شادمان و زمانی

غمگین به انتظار می‌ماند. متأسفانه در ۱۸۲۸ دستش به علت حادثه‌ای می‌شکند. می‌گویند بدخواهان دست او را شکسته‌اند!! این حادثه مهیب او را ناگزیر می‌کند که دیگر از تمام مناصب و مقام‌ها عقب‌نشینی کند! این عقب‌نشینی شامل ترک کرسی استادی کنسرواتور و مقام کنسرتی‌اش نیز می‌شود. دست خود را از گردن می‌- آویزد، دیگر آواره و تنهاست، این رخوت و تنهایی او را بیمار می‌کند، پس عزم سفر کرده و برای آزمودن آب و هوای سوئیس - که به نظرش باید برای سلامتی خلل‌پذیرش سودمند باشد- عازم آن سرزمین می‌شود. این اراده و خواست او در سال ۱۸۳۱ جهت بهبودی دیگر موثر نیست و در ژنو توان حرکت ندارد! خسته و ناتوان روزگار می‌گذاراند. ماه ژوئن را با حسرت مرگ آغاز می‌کند و در روز ششم ژوئن ۱۸۳۱ با آرامش مطلق برای ابد خاموشی اختیار می‌کند. مرگ جسمانی‌اش برای او سرآغاز جاودانگی به حساب می‌آید. کشیش آن شهر تدفین وی را رد می‌کند زیرا معتقد است او به دنیای تأثر و موسیقی بیش از دنیای مسیحیت تعلق دارد! این خاک سپاری مخدوش توجه عمومی را بیشتر به او جلب می‌کند و این چنین "کروتزر بزرگ" به ابدیت می‌پیوندد. ۴۲ اتود و کاپریس‌های او برای ویلن صدای رسای ساز او از اعماق سالیان بی‌شمار است که تا هستی زمین ادامه خواهد یافت.

<sup>14</sup> Legion of Honor

<sup>15</sup> Mathilde